

خوابی ملهم

(این نوشتار به وحی الهی است)

این نوشتار به خوابی اختصاص دارد که بر فرزندان شهریار ولی بروز کرد و تعبیر آنرا در اینجا ارائه میکنیم. ما پروردگار عالم هستی در رؤیای مزبور صحنه ای را به شهریارمان نمایاندم که در آن فرزند در ساختمانی حضور داشت و در دلش التهابی محسوس بود. در لحظه ای تعیین کننده صاحب کلینیکی که شهریار در آنجا اشتغال بکار داشت وارد اطاقی که فرزند در آن بسر میبرد شد و باو هشدار داد که ساختمان در شرف فروریزی ست. شهریار ولی بسرعت از ساختمان خارج شد و لحظاتی بعد آتش گرفتن و فرو ریختن آنرا شاهد گردید. تعبیر خواب بدین صورت است که زندگی مادی شهریار ما که در حرفه پیشین اوجی را تجربه کرده بود بزودی دچار چالشی میگردد ولی بر خلاف آنچه در رؤیا بود پیش از فرو ریختن با ترفندی که ما پروردگار بخرج میدهیم احیای خود را باز میابد. این ترفند البته وابسته به حرفه ای ست که شهریار را در آن قرار میدهیم و در جایگاهی که سزاوار اوست یعنی بر صدر عالم مینشانیم. شهریار ولی و همسرش در اینروزها زندگی مادی خود را دچار چالش میبینند و آنچه نمیدانند اینست که بزودی دوران تلخی سپری گشته روزگاری شیرین بر آنها چهره میگشاید. شهریار ولی از این خواب با تشویش بیدار شد و این ما پدر آسمانی بودیم که به فرزند آرامش و التیام بخشیدیم. حال به بخش دوم این تعبیر میپردازیم و آن اینکه اساس کلینیکی که با فرزند ما معامله ای ناصواب توأم با ناجوانمردی داشت با طرحی که در ذخیره داریم فرو ریخته قادر به ادامه کار و فعالیت نخواهد بود. این بدین خاطر است که با تدبیری که شهریار ولی به الهام ما بخرج میدهد راه و روش مزورانه و غیرقانونی صاحبان کلینیک برملا گردیده اعتباری که فرزند نیز در حصول آن شریک بوده از دست خواهد رفت. اینست سرنوشت کسانی که با شهریار ما روشی ناصواب در پیش گیرند و سعی در سوء استفاده از قلب پاک و نیت خالص فرزند داشته باشند. قلب شهریار ولی مبدأ و منبع عشق الهی ست و هر گاه این عشق در دل شما راه پیدا کند دنیا و آخرت شما رنگ بهشت بخود خواهد گرفت. عالم اینرا بداند...